سنت‌های الهی حاکم بر جامعه

محسن مقصودلو

ســـنت‌های الهی حاکم بر جان، جهان و جامعه، ســـنت‌های تکوینی است که نظام هســـتی بر اساس آن سامان یافته است. اگر سنت جاذبه به عنوان یک قانون بر طبیعت مادی حاکم است، ســـنت و قوانینی بر جان و جامعه آدمی حاکم است که از آن به سنت‌های اجتماعی یاد می‌شود. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های وحیانی قرآن به تبیین سنت‌های حاکم الهی بر جامعه در قالب سنت‌های تکوینی پرداخته است.

***

ویژگی‌های سنت‌های الهی

ســـنت در لغت عربی به معنای طریقه(لسان العرب، ج ۶ ، ص ۳۹۹، «سنن») و عادت مستمرّ (مجمع البیان، ج ۵ - ۶ ، ص ۶۶۷) .تیز کردن، صیقل دادن، راندن و راه بردن یک چیز در مسیر مشخص است (المنجد، ماده سَنّ) پس سنّت خدا، عادت خدا(همان، ج ۷ - ۸ ، ص ۶۴۵) و جریانی از فرمان، حکم و قضای او است (التحقیق، ج ۵ - ۶، ص ۲۳۷، «سنّ»)

ســـنت به معنای حکم و قضای قطعی، عبارت است از قوانین کلی و تخلف‌ناپذیر که تبیین روابط پدیده‌ها در نظام آفرینش و شـــرح و تبیین قانونمندی هســـتی و چگونگی عملکرد آن قوانین در جهان هستی را به عهده دارد.

بنابراین، ســـنت در این معنا، شـــامل قوانین علّی و معلولی حاکم بر نظام عالم و آدم و پدیده‌ها، مانند قوانین حاکم بر جامعه، تاریخ و تحولات آنهاست. برهمین اســـاس، از دیدگاه قرآن، سنّت خدا در راستای محو و نابودی شرک و استکبار و وراثت مؤمنان بر جهان در حرکت است. یا سنّت «امداد» که کلی‌ترین سنّتی است که خداوند در پی اعمال انسان‌ها اعمال می‌کند؛ بدین معنی که خداوند هم کسانی را که طالب دنیا و کمالات مادّی و این جهانی باشند و در راه باطل و شرّ گام گذارند، یاری و کمک می‌کند و هم کســـانی را که خواستار آخرت و کمالات معنوی و آخرتی باشند و در طریق حقّ و خیر گام نهند؛ یعنی وســـایل پیشرفت و نیل به هدف را برای هر دو دســـته فراهم می‌سازد.»(محمد تقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۷، ص ۴۳۵).

ســـنت‌های الهی به دو دسته ســـنت‌های تکوینی و تشریعی تقسیم می‌شـــود. سنت‌های تکوینی، همان قوانین حاکم بر هستی است. قوانین تشـــریعی نیز قوانینی اســـت که خداوند در قالب امر و نهی بیان کرده و مطابق با سنت‌های تکوینی است(روم، آیه ۳۰).

به سخن دیگر، ســـنّت تکوینی خدا، قوانین ثابت و کلی است که در دل کائنات و ذرات هستی جریان دارد. یکی از بارزترین نمونه‌های سنّت تکوینی، ســـنّتِ هدایت عمومی موجودات است که آیه زیر به آن تصریح دارد: رَبُّنَا الَّذی أَعْطی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی؛ پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش آن را داد و سپس آن را هدایت کرد(طه، آیه ۵۰).

البته این سنّت، معنای گسترده‌تری نیز دارد و افزون بر سنّت هدایت تکوینی، شـــامل هدایت مردم توسط انبیا نیز می‌شود. در این نوع سنّت تکوینی، یعنی ســـنّت هدایت و راهیابی که در دل هر موجودی هســـت، خداوند هر موجودی را به کمال شایسته خویش می‌رساند و از درون، آن را شـــکوفا می‌کند. دانه گندمی که در دل خاک قرار می‌گیرد، به برکت هدایت تکوینی، مسیر رشد و شکوفایی را طی می‌کند و به خوشه و سنبل تبدیل می‌شـــود. این نوع از هدایت، لازمه رحمت گسترده پروردگار است که شامل همه موجودات اوست.

همچنین قوانین علّی و معلّولی حاکم بر جهان که هم در حیطه جان موجودات و هم در بیرون از جان آنها یعنی در شئون ظاهری آنها جریان دارد، نمونه دیگری از سنّت تکوینی است. «طغیان در هنگام رفاه و آسایش» از سنت‌هایی است که در شئون ظاهری بشر جریان دارد، یعنی احساس بی‌نیازی در اثر داشتن مال و ثروت فراوان، موجب سرپیچی از حدود الهی می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: کَلاّ إِنّ الْإِنْسانَ لَیَطْغی أَنْ رَآهُ اسْتَغْنی؛ انسان طغیان می‌کند، وقتی که خود را بی‌نیاز ببیند.(علق، آیات ۶ و ۷)

از جمله ســـنت‌های تکوینی الهی می‌توان به ســـنت اجتماعی تغییر

اختلاف انسان‌ها در افکار و عقاید و افعال از روی اختیار از سنّت‌های الهی جاری بر اجتماعات انسانی است. بنابراین نباید این تفاوت‌ها و اختلافات نادیده گرفته شده و تلاش شود تا همسانی رخ دهد. همین تنوع و اختلافات موجب بالندگی و رشد و ابتکارات انسانی و پیشرفت انسان و جوامع می‌شود.

در نعمت‌ها اشـــاره کرد. ســـنت تکوینی خداوند درباره اجتماعات بشری بر این‌جاری اســـت که سرنوشـــت هیچ ملتی تغییر نمی‌کند، مگر اینکه خودشـــان براســـاس میل و اراده و اختیار خود، آن را تغییر دهند. خداوند در قرآن می‌فرماید: إِنّ اللهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُســـِهِمْ؛ خدا سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه خودشان دست به تغییر زنند. (رعد، آیه ۱۱)

همچنین ســـنّت تکوینی الهی در اجتماع بر این جاری است که رفاه اجتماعی و برکت در اموال در پرتو ایمان و تقوای الهی و در مقابل، کمبود و قحطی و خشکسالی به سبب بی‌ایمانی و بی‌تقوایی پدید می‌آید: وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَأَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشـــه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، ولی آنها حق را تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم (اعراف، آیه ۹۶).

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سنت‌های الهی عبارتند از:

۱- تبدیل‌ناپذیری: از مهم‌ترین ویژگی‌های سنت‌های الهی ثبات و دوام آن اســـت. خدا می‌فرماید: و لن تجد لسنةِ الله تبدیلاً؛ و هرگز سنّت خدای متعال را دگرگون نخواهی یافت. پس «بدل» و جایگزینی برای آن ســـنت نیست. یعنی این گونه نیست که این سنت برود و سنتی ضد یا نقیض آن جایگزین شود؛ بلکه اگر سنت الهی بر عدالت قرار گرفته همواره بر اساس آن سامان می‌یابد و هرگز سنت الهی بر اساس ظلم سامان نخواهد یافت. باید توجه داشت که واژه «بدل» به معنای جایگزین و جانشین است؛ چنانکه گفته می‌شود: « بَدّلَ اللهُ الْخَوْفَ امْناً؛ خداوند ترس را به امن و آرامش تبدیل کرد.

۲- تحویل‌ناپذیری: از دیگر ویژگی‌های سنت‌های الهی آن است که حول و تحولی در آن راه نمی‌یابد. خدا می‌فرماید: سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنا قَبْلَکَ مِنْ رُسُـــلِنا وَلا تَجِدُ لِسُنَّتِنا تَحْوِیلاً؛ سنتی که همواره در میان فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته‌ایم، جاری بوده است؛ و برای سنت و قانون ما تحویلی نخواهی یافت. (اسراء، آیه ۷۷؛ نیز: احزاب، آیه ۶۲؛ فتح، آیه ۲۳). واژه «حول» به معنای جابه‌جایی است و مراد از «تحویل سنّت» برگرداندن عذاب از قومی است که مستحقّ عذاب هستند به سمت دیگرانی که مستحق آن نیستند. خدا در این آیه بیان کرده که در سنّت خدا چنین تغییر و برگرداندنی نخواهد بود (المیزان، ج ۱۷، ص ۵۸). بنابراین از خصوصیات سنت‌های الهی آن است که جابه‌جایی در آن راه ندارد که خود دلیلی بر ثبات و عدم تغییر سنت‌های الهی است. همچنین خدا می‌فرماید: فَهَلْ یَنْظُرُونَ إِلاّ سُنَّتَ الْأَوَّلینَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللهِ تَبْدیلاً وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللهِ تَحْویلاً؛ آیا آنها چیزی جز سنّت پیشینیان و عذاب‌های دردناک آنان را انتظار دارند؟! هرگز برای سنّت خدا تبدیلی نخواهی یافت و هرگز برای سنّت الهی تحویلی نمی‌یابی (فاطر، آیه ۴۳). از این آیه به دست می‌آید که دو نوع احتمال تبدیل و تحویل در سنت‌های الهی راه نمی‌یابد؛ پس نه سنتی جایگزین سنتی دیگر می‌شود و نه اینکه جابه‌جایی در میان سنت‌های الهی صورت می‌گیرد؛ چرا که «تبدیل سنت خدا» به این است که عذاب خدا را بردارند و به جایش عافیت و نعمت بگذارند. «تحویل ســـنت» نیز عبارت از این است که عذاب فلان قوم را که مستحق آن هستند، به سوی قومی دیگر برگردانند. خدا در این آیه هر گونه تبدیل و تحویل در سنت را نفی می‌کند و می‌فرماید که هیچ‌گونه تبدیل و تحویلی در کار نیست (المیزان، ج ۱۷، ص ۵۸).

۳-تقدیرپذیری: ســـنت‌های الهی تقدیرپذیر هســـتند؛ یعنی اندازه مشـــخص و معین دارد و این گونه نیســـت که بیرون از میزان و مقدرات باشـــد. خدا درباره این ویژگی سنت‌ها می‌فرماید: سُنَّةَ اللهِ فِی الَّذینَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ کانَ أَمْرُ اللهِ قَدَراً مَقْدُوراً؛ ســـنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز جاری بوده و فرمان خدا روی حســـاب و برنامه دقیقی است.(احزاب، آیه ۳۸)

۴- عمومیـــت: فراگیر بودن ســـنت‌های الهـــی از دیگر ویژگی‌های ســـنت‌های الهی است. بنابراین، ســـنت‌های الهی عمومیت دارد و از نظر زمانی و مکانی تخصیص نمی‌خورد.(نساء، آیه ۲۶؛ آل عمران، آیه ۱۳۷)

۵- اطلاق: همچنین سنت‌های الهی در هر چیزی مطلق است و مقید به چیزی نیست.(همان، فاطر، آیه ۴۳)

۶- ثبات و دوام: چنانکه گفته شد سنت‌های الهی وقتی بدون تبدیل و تحویل اســـت، از ثبات برخوردار بوده و دوام آن به دوام چیز اســـت؛ زیرا سنت هر چیزی جز جوهر ذات آن چیز است؛ چنانکه سنت اسباب و علت و معلولی برای طبیعت، جزو جوهر ذات آن است؛ این گونه نیست که خداوند اول، چیزی را بیافریند و ســـپس قوانینی را بر آن حاکم کند؛ اصول خلق چیزی جعل قوانین آن است؛ پس وقتی خداوند آسمان و زمین را آفریده قوانین و سنت‌های حاکم در ذات هر چیزی با همان خلقت قرار داده شده است؛ شـــناخت خلقت هر چیزی به معنای شناخت سنت‌ها و قوانین آن چیز است. از این رو حتی سنت‌های تشریعی خداوند سنت‌های تبدیل‌ناپذیر اســـت؛ زیرا مطابق فطرت هر چیزی است(روم، آیه ۳۰)؛ پس چون فطرت چیزی تبدیل نمی‌شـــود، به طور طبیعی قوانین تکوینی و تشریعی آن نیز تبدیل نمی‌یابد. در این موارد جایی برای تحویل نیز نیست؛ از این رو اصلا به مسئله تحویل در این موارد اشاره‌ای نمی‌شود.

سنت‌های الهی جاری در اجتماع

در آیات قرآن به ســـنت‌های الهی در اجتماع توجه خاصی شده است. آگاهی از این ســـنت‌های الهی بســـیار مهم و اساسی است؛ زیرا در تحلیل تغییرات اجتماعی و نیز توصیه‌های بهبود اوضاع اجتماعی نقش اساســـی داشته و سعادت و شقاوت انسان در گرو این سنت‌های اجتماعی الهی است. از این رو در آیات قرآن توجه و اهتمام خاص و بسیاری به سنت‌های الهی

قوانین علّـــی و معلّولی حاکم بر جهان که هـــم در حیطه جان موجودات و هم در بیرون از جان آنها یعنی در شـــئون ظاهری آنهـــا جریـــان دارد، نمونه دیگری از ســـنّت تکوینی اســـت.

حاکم بر اجتماع شده است.

از نظر قرآن، کافرانی که به قوانین و ســـنت‌های اجتماعی توجه پیدا نمی‌کنند و در زندگی به آن اهتمام نمی‌ورزند، دچار آسیب جدی از همین ناحیه می‌شـــوند و زیان و خســـران در دنیا و آخرت جزا و مکافات نادیده گرفتن این سنت‌ها و عدم توجه به آنها در زندگی است. خدا در این زمینه چنین هشدار می‌دهد و می‌فرماید: سُنَّتَ اللهِ الَّتی قَدْ خَلَتْ فی عِبادِهِ وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْکافِرُونَ؛ این سنّت خداوند است که همواره در میان بندگانش اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند. (غافر، آیه ۸۳)

همچنین خداوند آگاهی و شـــناخت نسبت به سنت‌های اجتماعی را عامل مهم در اســـتقامت و صبر در برابر دشمنان دانسته است.(طه، آیات ۱۲۸ تا ۱۳۰؛ انعام، آیه ۳۴)

از دیگر آثار شـــناخت ســـنت‌های اجتماعی، می‌تـــوان به هدایتگری تقواپیشگان و مایه پند برای آنان(آل‌عمران، آیات ۱۳۷ و ۱۳۸)، پیش‌بینی تحوّلات اجتماعی و واکنش‌های تاریخی، براســـاس شناســـایی قوانین و ســـنّت‌های الهی حاکم بر آنها (همان؛ انعام، آیه ۱۱؛ اعراف، آیه ۸۶؛ نحل، آیه ۳۶) و رهایی از غم و اندوه فشـــارهای ظالمان (آل‌عمران، آیه ۱۷۶) و مانند آنها اشاره کرد. از همین رو خداوند به گزارش‌های تاریخی از امت‌ها بر اساس تحلیل رفتار و عملکرد آنان و توصیه به دیگر امت توجه خاصی مبذول داشـــته است؛ زیرا تاریخ حقیقی و گزارش‌های درست از وقایع آن می‌تواند در فهم و درک ســـنت‌های الهی به عنوان یک منبع اصلی تاثیر شایانی داشته باشد. (بقره، آیه ۲۱۴)

به هر حال، جوامع انسانی، مقهور سنن قاطع و خلل‌ناپذیر الهی هستند (اعراف، آیه ۳۴؛ یونس، آیه ۴۹؛ حجر، آیات ۴ و ۵؛ طه، آیات ۱۲۸ و ۱۲۹) چنانکه مثلا پدیدار شدن سردمدارانی بدکار و مکّار در هر جامعه(انعام، آیه ۱۲۳) یا گردش شکست و پیروزی در جوامع بشری(آل عمران، آیه ۱۴۰) یا ابتلای همه پیامبران به دشـــمنانی از شیطان‌های جنّ و انس(انعام، آیه ۱۱۵)، یا حاکمیّت یافتن ستمگران بر مردم ستم‌پیشه(انعام، آیه ۱۲۹) از سنّت‌های همیشگی خداوند است و نمی‌توان امید داشت که این سنت‌ها و گروه‌های اجتماعی در جامعه خودنمایی نکند و اتفاقی در این حوزه نیفتد.

باید توجه کرد که ســـنت‌های الهی ارتباط تنگاتنگی با اعمال و رفتار آدمی دارد و اعمال انسانی نقش تعیین‌کننده و تغییردهنده در جابه‌جایی سنت‌ها و تغییر آنها دارد. البته این امر هیچ ربطی به تبدیل و تحویل خود ســـنت ندارد، بلکه آنچه اتفاق می‌افتد تغییر ســـنت با تغییر رفتار آدمی و جوامع است. به ســـخن دیگر، سنّت خدا در تداوم نعمت‌های ارزانی شده به جوامع یا تغییر آنها، وابســـته به نوع عملکرد اقوام و ملت‌ها است.(انفال، آیه ۵۳؛ رعد، آیه ۱۱)

در توضیح این مطلب باید گفت تغییر سنت غیر از تبدیل (جایگزین شدن) و تحویل آن است. به طور مثال اگر زمانی سنت برکت بر جامعه‌ای حاکم و جاری بود، در اثر گناه و فسق و فجور افراد آن جامعه، سنت برکت به ســـنت بی‌برکتی و قحطی تغییر می‌کند. در این حالت، تغییر در نفس ســـنت نیست بلکه این تغییر و جایگزینی به سبب تغیر رفتارهاست. پس

ســـنت‌های الهـــی ارتباط تنگاتنگـــی با اعمـــال و رفتار آدمـــی دارد و اعمـــال انســـانی نقـــش تعیین‌کننـــده و تغییردهنـــده در جابه‌جایی ســـنت‌ها و تغییـــر آنها دارد.

در خود ســـنت‌ها تبدیل و تحویلی صـــورت نمی‌گیرد بلکه در اثر عملکرد انســـان‌ها سنتی تغییر می‌کند و سنتی دیگر حاکم می‌شود اما در تبدیل، سنتی برداشته شده و سنتی دیگر در جای آن قرار می‌گیرد.

پس سنت‌ها خود به خود تبدیل و تحویل نمی‌شود بلکه با تغییر علل و عوامل، این تغییرات ایجاد می‌شود. بنابراین سنت‌های الهی محیط و حاکم بر رفتارهای انسان است و جوامع انسانی هر نوع تفکر و سلوک و رفتاری را برگزینند به تناسب آن، سنت‌های الهی بر سرنوشت‌شان حاکم می‌گردد. آیه شریفه «ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» خداوند سرنوشت هیـــچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه افراد آن قوم خود را تغییر دهند (رعد/۱۱) ناظر بر همین معنا است.

سنت‌های اجتماعی الهی چون هدایت عمومی (انسان، آیه ۳؛ طه، آیه ۵۰)، بی‌نتیجه بودن مکر ماکران (یوسف، آیات ۵۰ تا ۵۲)، دفاع خداپرستان مومن دربرابر تجاوز و ظلم کافران، در راســـتای ســـنت خدا مبنی بر دفع مفسدان به وسیله عابدان موحد (بقره، آیات ۲۴۹ و ۲۵۱؛ حج، آیات ۳۸ تا ۴۰) و آمیختگی توجه به خدا وتوام بودن دین توحید با سرشت و فطرت انسان و مطابق شریعت و طریقت باطنی (روم، آیه ۳۰)، گزینش پیامبران از میان خود انسان‌ها (رعد، آیه ۳۸؛ نحل، آیه ۴۳)، اعتدال در روزی انسان‌ها (اسراء، آیه ۳۰؛ شوری، آیه ۲۷)، افزایش و کاهش و گرفتن و دادن روزی به سبب شکر و کفران نعمت (نحل، آیه ۱۱۲) ازجمله سنت‌هایی است که آگاهی نسبت به آنها می‌تواند روند رفتاری فردی و اجتماعی را تغییر دهد و انسان را در مسیر دیگر قرار دهد و اجتماعات انسانی را متحول سازد.

برخی از مهمترین و اساسی‌ترین سنت‌های اجتماعی عبارتند از:

۱- سنت استیصال: از مهمتریـــن سنت‌های الهی آن است که ریشه ظلم وکفر را در اجتماعی که حاکمیت پیدا کرده با نابودی کافران و ظالمان برکند. استیصال از واژه اصل به معنای ریشه یعنی کندن ریشه‌های چیزی. براساس سنت استیصال خداوند همان‌طوری که در قیامت این افراد را عذاب می‌کند، در دنیا نیز کاری می‌کند که به دســـت خود ریشه خود را برکنند و نابودی و نیستی را برای خود رقم زنند. خدا می‌فرماید: افلم یهد لهم کم اهلکنا قبلهم من القرون یمشـــون فی مساکنهم ان فی ذلک لایات لاولی النهی؛ آیا برای هدایت آنان کافی نیســـت که بسیاری از نسل‌های پیشین را که طغیان و فســـاد کردند، هلاک نمودیم و اینها در مســـکن‌های ویران شده آنان راه می‌روند! مسلما دراین امر، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است. (طه، آیه ۱۲۸)

۲- سنت انتقام از مجرمین: یکی از سنت‌های الهی بر اجتماع، سنت انتقام از مجرمان اســـت. مجرمان کسانی هستند که نه تنها گناه می‌کنند بلکه جرم‌هایی مانند زنا و قتل و سرقت انجام می‌دهند که مجازات دنیوی براســـاس حدود برای آن اثبات شده است. خدا درباره این سنت حاکم بر اجتماع می‌فرماید: انا من المجرمین منتقمون؛ مسلما ما از مجرمان انتقام خواهیم گرفت. (سجده، آیه ۲۲) خدا در قرآن گاه از انتقام با واژه «انتصار» یـــاد می‌کند: الا الذین آمنـــوا و عملوالصالحات و ذکروا الله کثیرا و انتصروا من بعد ما ظلموا و ســـیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون؛ مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند، از خدا یاری خواسته و انتقام می‌طلبند و کسانی که ستم کرده‌اند بزودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت. (شعراء، آیه ۲۲۷)

۳-سنت یاری و نصرت مومنین: از سنت‌های دیگر الهی در اجتماع، سنت یاری و نصرت است. خدا می‌فرماید: و کان حقا علینا نصرالمومنین؛ و یاری مومنان، همواره حقی است برعهده ما. (روم، آیه ۴۷)

۴- اجل مسمی، سنتی قطعی: همان‌طوری که از سنت‌های الهی درباره جان، سنت اجل مسمی و اجل معلق است، همچنین درباره اجتماع نیز سنت‌های اجل مسمی و معلق وجود دارد. پس هر ملت و جامعه‌ای روزی متولد می‌شـــود و روزی می‌میرد. خدا درمورد اجل افراد می‌فرماید: و لکن یوخر هم الی اجل مسمی فاذا جاء اجلهم لایستاخرون ساعه ولایستقدمون؛ ولی آنها را تا زمان معینی به تاخیر می‌اندازد. و هنگامی که اجلشـــان فرا می‌رسد، نه ساعتی تاخیر می‌کنند و نه ساعتی پیشی می‌گیرند. (نحل، آیه ۶۱) درباره اجل امت‌ها و اجتماعات بشری نیز می‌فرماید: لکل امه اجل اذا جاء اجلهم فلایستاخرون ساعه وَلَا یَسْتَقْدِمُونَ؛ هر امتی را زمانی محدود است؛ آنگاه که زمانشان به سر رسد، پس نه ساعتی از آن تاخیر کنند و نه پیشی گیرند. (یونس، آیه ۴۹) و نیز می‌فرماید: مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا یَسْتَأْخِرُونَ ؛ هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می افتد و نه پس می ماند. (حجر، آیه ۵؛ مومنون، آیه ۴۳) پس همان طوری که ســـنت الهی مرگ برای هر نفس انسانی است، سنتی قطعی مرگ برای امت‌ها نیز وجود دارد: «کُلُّ نَفْسٍ ذائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَیْنا تُرْجَعُونَ»؛ هر انســـانی مرگ را می چشد، سپس شما را بسوی ما بازمی‌گردانند.(عنکبوت، آیه ۵۷)

از جمله سنت‌های تکوینی الهی می‌توان به سنت اجتماعی تغییر در نعمت‌ها اشاره کرد. سنت تکوینی خداوند درباره اجتماعات بشری بر این‌جاری است که سرنوشت هیچ ملتی تغییر نمی‌کند، مگر اینکه خودشان براساس میل و اراده و اختیار خود، آن را تغییر دهند.

۵- سنت الهی هدایت نیکوکاران تلاشگر: از دیگر سنت‌های الهی حاکم بر جامعه این اســـت که انســـان در دنیا پاداش رفتار اجتماعی نیک خود را نیز ببیند. خدا می‌فرماید: وَ الَّذینَ جَهاهَدُوا فینَا لَنَهْدِیَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْســـِنینَ؛ و آنها که در راه ما (با خلوص نیّت) جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است. (ابراهیم، آیه ۶۹)

۶- سنت آسانی: از جمله سنت‌های الهی آن است که با هر سختی دو آسانی از قبل و بعد برای شخص و جامعه فراهم آید. پس این طور نیست که عسر و سختی، دایمی باشد، بلکه سختی از دو سو با آسانی محدود می‌شود و اجازه طغیان به آن داده نمی‌شود. خدا می‌فرماید: فَإِنَّ مَعَ الْعُسرِ یُسرا إِنَّ مَعَ الْعُسرِ یُسرا؛ پس به راستی با هر سختی یک آسانی است؛ زیرا با همان سختی یک آسانی دیگر نیز است.(انشراح ، آیات ۵ و ۶)

۷- ســـنت آسانی قوانین تشـــریعی: همان طوری که قوانین و ســـنت‌های تکوینی آسان است، قوانین تشـــریعی مطابق سنت فطری و تکوینی(روم، آیه ۳۰) نیز آسان است. خدا می‌فرماید: ما کانَ عَلَی النَّبیِّ مِن حَرَجٍ فیما فَرَضَ اللهُ لَهُ سُنَّه اللهِ فِی الَّذینَ خَلَوا مِن قَبلُ؛ بر پیامبر حرجی نیســـت در آنچه که خدا بر او فرض کرده است. سنت الهی درباره کسانی که پیش از او بوده‌اند.(احزاب، آیه ۳۸) پس همان طوری که در سنت‌های تشریعی پیشین ، ســـختی و حرج نبود در سنت اسلامی پیامبر(ص) نیز سختی نیست. این بدان معناست که قوانین و مقرراتی که انسان‌ها با عقل خویش وضع می‌کنند باید از چنین ویژگی‌هایی برخوردار باشد؛ زیرا تکلیف به میزان وســـع و توان باید باشـــد و تکلیف مالایطاق و خارج از توان جایز نیست و اجتماعات را با بحران رفتاری و ضد هنجاری مواجه می‌سازد. ازاین رو حتی خدا برای جلوگیری از هر گونه خیانت نســـبت به قوانین شرعی، برخی از قوانین نه چندان سخت چون زناشویی در شب‌های ماه رمضان را برای جلوگیری از خیانت آسان می‌کند.(بقره، آیه ۱۸۷) با آنکه این قانون سخت نبود، ولی برای آسانی عمل آن را نیز حذف می‌کند. در اینجا تبدیل

سنت‌های الهی به دو دسته ســـنت‌های تکوینی و تشریعی تقسیم می‌شود. ســـنت‌های تکوینی، همان قوانین حاکم بر هستی است. قوانین تشریعی نیز قوانینی است که خداوند در قالب امر و نهی بیان کرده و مطابق با سنت‌های تکوینی است

و تحویلی در سنت تشریعی انجام نشده است؛ بلکه تنها نسخ صورت گرفته است و نسخ غیر از تبدیل و تحویل است. (بقره، آیه ۱۰۶)

۸- سنت اتمام حجت: اتمام حجت بر افراد و جوامع بشری از دیگر ســـنت‌های الهی جاری بر اجتماعات انسانی است. در آیات بسیاری اتمام حجّت بر مردم، قبل از کیفر آنان(انعام، آیات ۱۳۰ و ۱۳۱؛ یونس، آیه ۱۳؛ اســـراء، آیات ۱۵ و ۱۶؛ شـــعراء، آیه ۲۰۸) و اتمام حجّت بر کافران از اهل کتاب و مشـــرکان، با رســـاندن برهان آشکار به آنان، به عنوان سنّتی الهی حاکم بر اجتماع بشری مطرح شده است.(بینه، آیه ۱) خدا در تحلیل سنت اتمام حجت برای عذاب اقوام می‌گوید: ذَلِکَ أَنْ لَمْ یَکُنْ رَبُّکَ مُهْلِکَ الْقُرَی بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ؛ این اتمام حجت بدان سبب است که پروردگار تو هیچ گاه شُهرها را به ستم نابوده نکرده در حالی که مردم آن غافل باشند.(انعام، آیـــه ۱۳۱) پس خداوند هرگز بدون اتمام حجت قومی را نابود نمی‌کند؛ از ایـــن رو، هنگام غفلت عـــذاب نمی‌کند، بلکه می‌داند در حال آگاهی و علم و اتمام حجت و آگاهی به ظلم کردن خودشـــان این کار را می‌کنند. خدا می‌فرماید: وَمَا کَانَ رَبُّکَ مُهْلِکَ الْقُرَی حَتَّی یَبْعَثَ فِی أُمِّهَا رَسُولاً یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِنَا وَمَا کُنَّا مُهْلِکِی الْقُرَی إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ؛ و پروردگار تو هرگز ویرانگر شـــهرها نبوده است تا پیشتر در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر ایشـــان بخواند و ما شـــهرها را تا مردمشان ستمگر نباشند ویران‌کننده نبوده‌ایم.(قصص، آیه ۵۹)

۹- ســـنت اختلاف و تفاوت‌ها: اختلاف انسان‌ها در افکار و عقاید و افعال از روی اختیار از ســـنّت‌های الهی جاری بر اجتماعات انسانی است. بنابراین نباید این تفاوت‌ها و اختلافات نادیده گرفته شـــده و تلاش شود تا همسانی رخ دهد.(بقره، آیه ۲۵۳؛ هود، آیه ۱۱۸) همین تنوع و اختلافات موجب بالندگی و رشد و ابتکارات انسانی و پیشرفت انسان و جوامع می‌شود.

۱۰- ســـنت در تنگنا قرار دادن مجرمین، به امید بازگشت: خدا می‌فرماید: ظَهَرَ الْفَســـادُ فی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَت أَیْدِی النَّاسِ لِیُذِیقَهُم بَعْضَ الَّذِی عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ»؛ فساد، در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشـــکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید به سوی حق بازگردند!(روم، آیه ۴۱)

۱۱- سنت اضلال کیفری، مختص اهل باطل: از نظر قرآن هدایت ابتدایی برای همگان ثابت است؛ اما اضلال ابتدایی معنایی ندارد و خداوند هرگز کســـی را ابتدا در مســـیر اضلال قرار نمی‌دهد؛ زیرا خلاف حکمت و مشیت الهی است؛ اما اضلال کیفری همانند هدایت پاداشی در سنت‌های الهی مطرح است. آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را برای زراعت و آبادی بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند؛ امّا آنها انکار کردند و کیفر خود را دیدند؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، بلکه آنها خودشان به خودشان ستم می‌کردند!(روم، آیه ۹) خدا در آیات دیگری نیز به ســـنت اضلال کیفری اشاره کرده است. (انعام، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶؛ حجر، آیات ۳۲ تا ۴۲)

۱۲- ســـنت تدافع حق و باطل و حاکمیت و پیروزی حق: از نظر قرآن همواره حق و باطل در جنگ و تدافع با یکدیگر است تا زمانی که حق چیره و باطل نابود شود؛ البته همواره باطل همانند کف روی آب است که به چشم می‌آید و غلبه ظاهری دارد، ولی دیری نمی‌پاید که از میان می‌رود و چون حبابی می‌ترکد.(رعد، آیه ۱۷) خداوند درباره نابودی باطل سخن گفته و آن را سنتی الهی در هستی دانسته است.(اسراء، آیه ۸۱) در نهایت این باطل اســـت که نابود می‌شود: وَ یَمْحُ اللهُ الْباطِلَ وَ یُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ؛ و خداوند، باطل را محو می‌کند و حقّ را بفرمانش پابرجا می‌سازد.(شوری، آیه ۲۴)

۱۳- ســـنت آزمایش و ابتلا: یکی از ســـنت‌های اجتماعی سنت آزمون و ابتلا اســـت که بر همه جوامع بشـــری جاری و ساری است. خدا می‌فرمایـــد: وَ لَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَـــیْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ الْجُـــوعِ وَ نَقْصٍ مِنَ الْأَمْوالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَراتِ؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و محصولات کشـــاورزی آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به اســـتقامت‌کنندگان!(بقره، آیه ۱۵۵) از نظر قرآن برای شناخت مسائل اجتماعی و افراد آن لازم است تا همواره این سنت جاری باشد؛ زیرا با این شیوه ریزش‌ها و رویش‌ها همواره در جامعه رخ می‌دهد و سیه‌روی شود هر که در او غش باشـــد.(آل عمران، آیه ۱۷۹) این سنت فراگیر در هر زمانی است و همه انسان‌ها در همه احوالات به اشکال گوناگون مبتلا به امتحان و آزمون و بلا و ابتلا می‌شـــوند.(آل عمران، آیه ۱۸۶؛ مائده، آیه ۴۸؛ توبه، آیه ۱۲۶) پس آزمایش مردم با مصائب و مشـــکلات، از ســـنّت‌های کلّی و همیشگی خداوند است.(بقره، آیه ۲۱۴؛ انعام، آیه ۴۲)

۱۴- سنت استدراج: در سنت الهی استدراج به این معنا است که خداوند به جوامع بشری فرصت می‌دهد تا گام به گام و درجه به درجه در مسیر سقوط و هبوط پیش روند و به درکات برسند. خدا می‌فرماید: وَ الَّذینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثُ لایَعْلَمُونَ؛ و آنها که آیات ما را تکذیب کردند، بتدریج از جایی که نمی دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد.(اعراف، آیه ۱۸۲) در آیات دیگر نیز بیان شده که خداوند درها را به سوی این افراد می‌گشاید به طوری که سرمســـت از شادی و پیروزی شده و به اتراف و جرم گرایی روی آورده ولی